

امروز، آینده است!

چه قدر از پیش‌بینی‌های قسمت دوم سه‌گانه‌ی «بازگشت به آینده» از سال 2015 درست بود؟



چه قدر از پیش‌بینی‌های قسمت دوم سه‌گانه‌ی «بازگشت به آینده» از سال 2015 درست بود؟
امروز، آینده است!

«آینده» برای ما، زمانی را به ذهن می‌آورد که هنوز از راه نرسیده؛ زمانی بعد از امروز. سفر در زمان و سرک‌کشیدن به آینده و گذشته هم همیشه یکی از خواسته‌های انسان بوده و کتاب‌ها و فیلم‌های علمی‌تخیلی بسیاری براساس این آرزو نوشته و ساخته شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین و محبوب‌ترین این فیلم‌ها، سه‌گانه‌ی «بازگشت به آینده» ساخته‌ی «رابرت زمکس» است. داستان «مارتی مک‌فلای» نوجوانی در سال 1985 میلادی که با دوستش «دکتر امت براون»، مخترع و دانشمندی که ماشین‌زمان را اختراع کرده، در زمان سفر می‌کند. در قسمت دوم این سه‌گانه، دکتر براون از سال 2015 به سال 1985 برمی‌گردد و مارتی را برای نجات پسر مارتی، با خود به آینده می‌برد؛ به 21 اکتبر 2015 یا همین 23 روز قبل! پس درواقع در این فیلم، امروز ما، به‌نوعی آینده است! به همین بهانه بد نیست ببینیم فیلمی که 26 سال قبل ساخته شده، چه قدر توانسته وضعیت سال 2015 میلادی را به‌درستی پیش‌بینی کند.

طبیعی است که همه‌ی پیش‌بینی‌های قسمت دوم فیلم بازگشت به آینده درباره‌ی سال 2015 میلادی درست نباشد و خیلی از وسیله‌ها و فناوری‌هایی که در فیلم نشان داده می‌شوند، امروزه وجود نداشته باشند یا حداقل متداول نباشند. اختراعات یا فناوری‌هایی مثل سوخت‌های کمپوست (ضایعات مواد خوراکی یا زباله‌ها)، بیلبردهای سه‌بعدی شهری، لباس‌های هوشمند یا پیترزهای فشرده! اما یکی از مهم‌ترین این پیش‌بینی‌های اشتباه، ماشین‌های پرنده‌اند. شاید در آینده چنین اتفاقی رخ بدهد، اما فعلاً که ما همچنان روی زمین رانندگی می‌کنیم! البته شاید باید گفت همان بهتر که چنین ماشین‌هایی وجود ندارند. با این وضع بد رانندگی آدم‌ها روی زمین صاف، تصور کنید روی هوا چه تصادف‌ها و حادثه‌هایی پیش می‌آید!

در خانه‌ی مارتی در سال 2015، فناوری‌های زیادی پیدا می‌شود که شاید مهم‌ترینشان تلویزیون‌های صفحه‌تخت و بزرگی هستند که قابلیت‌های فراوانی، از جمله تماس تصویری دارند. این یک پیش‌بینی کامل بود که از همه‌جهت اتفاق افتاده؛ تلویزیون‌های امروزی، تنها برای تماشای برنامه‌های شبکه‌های مختلف ساخته نمی‌شوند و قابلیت‌های فراوان و متنوعی دارند. تماس تصویری هم که به لطف نرم‌افزارهای کامپیوتری و موبایلی به یکی از معمول‌ترین کارهای سال 2015 تبدیل شده و شما می‌توانید با هرکسی در هرکجای دنیا تماس تصویری برقرار کنید.

مارتی در سال 2015 دستگاه‌هایی لمسی شبیه به تبلت می‌بیند. پیش‌بینی‌ای که کاملاً درست از آب درآمد و این‌روزها تبلت‌ها با قابلیت‌های متنوع در همه‌جا پیدا می‌شوند. اما نکته‌ای که باقی می‌ماند این است که در آینده‌ای که مارتی می‌بیند، مردم با اثر انگشتشان هزینه‌های روزمره را پرداخت می‌کنند؛ اتفاقی که هنوز نیفتاده و هنوز هم از پول نقد، چک یا کارت‌های اعتباری برای پرداخت هزینه‌ها استفاده می‌شود.

زمانی که مارتی به سال 2015 می‌رسد، لازم است لباس‌های سال 1985 را عوض کند و لباس‌های مدرن بپوشد. پیش‌بینی لباس‌های سال 2015 هم از آن اشتباه‌هایی است که خیلی به چشم می‌آید. لباس‌هایی عجیب و غریب و هوشمند. مثلاً کفشی که مارتی می‌پوشد، کفشی هوشمند است که خودش بندهای خودش را می‌بندد! متأسفانه هنوز ساخت چنین کفش‌هایی به‌صرفه نیست و عجلتاً باید خودمان بند کفش‌هایمان را ببندیم!

وقتی مارتی در سال 2015 از جلو سینما رد می‌شود، می‌بیند فیلم «آوارها 19» به‌کارگردانی «مکس اسپیلبرگ» (پسر استیون اسپیلبرگ) به‌صورت سه‌بعدی و با سیستم «هولومکس» اکران شده. البته مجموعه‌ی فیلم‌های «آوارها»، چهار قسمت بود و چنین فیلمی هرگز ساخته نشد و این تنها یک شوخی با اسپیلبرگ بود، اما واقعیت این است که این‌روزها فیلم‌های سه‌بعدی با سیستم «آی‌مکس»، یکی از تکنیک‌های روز سینما هستند و این پیش‌بینی واقعاً اتفاق افتاد.

یکی از جذاب‌ترین اختراعات‌های قسمت دوم فیلم بازگشت به آینده، «هاوربرد» است؛ وسیله‌ای شبیه به «اسکیت‌برد» اما بدون چرخ و بسیار سریع که می‌تواند در همه‌ی جهت‌ها بچرخد. در سال‌های اخیر چند شرکت از جمله «هندو» و «لکسوس» نمونه‌هایی اولیه‌ی هاوربرد را ساخته‌اند، اما هنوز تا آینده‌ای که در آن هرنوجوان یک هاوربرد پیشرفته داشته باشد، زمان زیادی مانده است.

در صحنه‌ای که مارتی و دکتر براون به سال 2015 می‌رسند، هوا به‌شدت بارانی است. دکتر با نگاه‌کردن به ساعتش که وضعیت آب‌وهوا را توضیح می‌دهد، به مارتی می‌گوید که نگران نباشد تا چند ثانیه‌ی دیگر باران قطع خواهد شد. دکتر آن قدر از دقت «سرویس آب‌وهوا» راضی است که به مارتی می‌گوید: در سال 2015، سرویس پیش‌بینی آب و هوا به مراتب از اداره‌ی پست قابل اعتمادتر است!

هرچند که این‌روزها تقریباً در همه‌ی وسیله‌های الکترونیکی (مثل ساعت‌های هوشمند)، قابلیت اعلام وضعیت هوا گنجانده

شده، اما برعکس نظر دکتر براون، در سال 2015 فعلي، هنوز هم در بعضي جاها ادارهي پست قابل‌اعتمادتر از سرويس پيش‌بيني آب‌وهوا است!

در کنار ميز شام، «مارتي مك‌فلاي جونيور» (پسر آينده‌ي مارتې) عيني‌ي روي چشمش دارد كه قابليت‌هاي زيادي دارد و مثلاً مي‌تواند با آن تلويزيون تماشا كند يا تلفن بزند. سال 2013 ميلادي، شركت گوگل با «عينك‌گوگل» خيالمان را از بابت اين اختراع راحت كرد. البته هرچند كه عينك‌گوگل هنوز آن‌قدرها فراگير نيست كه پسر آينده‌ي مارتې بتواند در خانه‌اش داشته باشد، اما حداقل خيالمان راحت است كه اين عينك اختراع شده!